

عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی



تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۱

سعید فراهانی فرد*

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

عدالت همواره در حوزه‌های گوناگون معارف بشری به صورت مسأله‌ای اساسی مورد توجه بوده است. در ادبیات توسعه اقتصادی نیز این مقوله نغیاً و اثباتاً اهمیت داشته و داستان سازگاری و نیز ناهمخوانی آن با توسعه اقتصادی بخش قابل توجهی از ادبیات توسعه را در سده اخیر به خود اختصاص داده است. این وضعیت به نسل‌های دیگر نیز سرایت کرده و مسأله عدالت از درون یک نسل به عدالت بین نسل‌ها کشیده شده است.

در کلام خداوند متعال، عدالت از اساسی‌ترین مفهومی دینی معرفی شده و هدف مهم پیامبران دانسته شده است. پیامبر خدا ﷺ حکومت و دین خود را بر اساس عدالت بنا نهاده و در کلمات امام علی علیه السلام عدالت، قانونی فراگیر و سستی تغییرناپذیر در جهان خلقت و ضرورتی تخلف‌ناپذیر در اجتماع‌های بشری و نظام تشریح، معرفی شده و بر ضرورت هماهنگی دو نظام تکوین و تشریح، تأکید

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شده؛ به گونه‌ای که حضرتش در جایگاه امام عدالت شهرت یافته است. در روایتی که از ناحیه حضرتشان نقل شده، عدالت را سبب توأم و پایداری و نیز تضاعف برکات در جامعه دانسته است و در کلام دیگر معصومان علیهم‌السلام نیز عدالت مساوی با بی‌نیازی مردم قلمداد شده است.

در مقاله، از بُعدهای گسترده عدالت، بر عدالت اقتصادی و آن هم در چگونگی بهره‌برداری از منابع و به صورت خاص، نحوه تخصیص بین نسل‌های گوناگون، تأکید شده است. به همین جهت ابتدا ادعا شده انسان‌های تربیت یافته در مکتب اسلام به خوبی عدالت را بین خود اجرا می‌کنند. با وجود این، به منظور ضمانت اجرایی این مهم، به ویژه تحقق عدالت بین نسلی در استفاده از منابع طبیعی، راهکارهایی از طرف شریعت اسلام معرفی شده که در مقاله به آن‌ها اشاره شده است. نقش دولت اسلامی در تحقق این مهم اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی، منابع طبیعی، منابع زیست‌محیطی، حقوق مالکیت، توسعه پایدار.

طبقه‌بندی JEL: N5-O13-P28



مقدمه

عدالت، همواره در حوزه‌های گوناگون معارف بشری به صورت مسأله‌ای اساسی مورد توجه بوده است. در کلمات ارسطو، افلاطون، از یونان باستان و نیز اندیشه‌وران وسطا و اژه عدالت فراوان به چشم می‌خورد.

در سده‌های اخیر، سمت‌گیری به سوی رشد شتابان اقتصادی و اندازه‌گیری آن با شاخص‌هایی به طور کامل فیزیکی از جمله تولید ناخالص ملی و یا درآمد سرانه، بدون توجه به چگونگی توزیع بین طبقه‌ها یا دهک‌های گوناگون درآمدی سبب شد در ادبیات توسعه، از توجه به عدالت کاسته شود، و حتی در مواقعی این باور پدید آمد که آرمان‌های رشد اقتصادی با عدالت سازگاری ندارند و اگر می‌خواهیم به رشد پر شتاب دست یابیم، باید از توزیع عادلانه چشم‌پوشیم (کلاین، ۱۷۷۳، به نقل از چپرا، ۱۳۸۳: ص ۸۰).

فضای ضد عدالت در ادبیات توسعه به صورتی به وسیله آرتور لوئیس (Sir Arthur Lewis) در سال ۱۹۵۵ پدید آمد و به طور تقریبی تا مدت یک دهه و نیم ادامه یافت. وی می‌نویسد: نخست باید دقت کرد که مسأله اصلی ما رشد است، نه توزیع (Lewis, 1995: p. 9).

بایور و یامی (Bauer and Yamey) در سال ۱۹۵۷ نشان دادند که توزیع مجدد درآمد به نفع فقیران، به طور احتمال به رشد اقتصادی، به مفهوم تولید سرانه بیشتر، کمکی نخواهد کرد. حتی سازمان ملل با تصریح بر این که اساسی ترین هدف توسعه اقتصادی پیشینه سازی درآمد ملی یا نرخ رشد اقتصادی است، توزیع را از هدف های توسعه کنار گذاشت (چیرا، ۱۳۸۳). جانسون (Johnson) نیز در سال ۱۹۶۲، تأکید کرد:

برای کشوری که مشتاق است از رشدی سریع برخوردار شود، پافشاری بر سیاست ناظر بر تضمین برابری اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد نابخردانه خواهد بود (Johnson, 1962: p. 159). برخی از مدافعان رشد شتابان در حمایت از نابرابری بیشتر درآمدها تا آن جا پیش رفتند که ادعا کردند:

افراد ذی نفع از این نابرابری احتمالاً قسمت اعظم درآمدهایی را که به آن ها منتقل می شود، پس انداز می کنند و به این ترتیب به تشکیل سرمایه می افزایند.

آنان برای اثبات ادعای خود به منحنی L معکوس کوزنتس (Kuznets) متوسل شده اند؛ نظریه ای که تأیید تجربی اندکی از نوشته های کوزنتس یا اطلاعات بعدی را دریافت کرده است. منحنی کوزنتس نشان می دهد که در مرحله های اولیه توسعه، ناگزیر نابرابری افزایش می یابد، اما با ورود توسعه به مرحله های بعدی، از میزان نابرابری کاسته می شود. این احتمال مورد بررسی قرار نگرفته که منحنی کوزنتس چه بسا معلول نظام اقتصادی و سیاست های اتخاذ شده است و به ضرورت انعکاسی از قانون تغییرناپذیر طبیعت نیست (چیرا، ۱۳۸۳: ص ۸۱).

این جریان فکری حتی بر رهبران و سیاست گذاران کشورهای در حال توسعه اثر گذاشته بود. حتی جواهر لعل نهرو، که به ظاهر از معتقدان جدی عدالت اجتماعی - اقتصادی بود، گرایش به سمت نابرابری پیش رونده را در هند، این گونه توجیه می کرد که «نابرابری در اقتصاد در حال رشد، تا حدودی اجتناب ناپذیر است». تعدادی از اقتصاددانان مسلمان نیز، به رغم تأکید صریح و واضح اسلام بر عدالت اقتصادی - اجتماعی، هم رنگ این جماعت شدند و این دیدگاه را طرح کردند که تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی کالای لوکسی است که فقط کشورهای توسعه یافته می توانند در اختیار داشته باشند (همان: ص ۸۲ - ۸۳). بعد از مدتی نزاع تمام نشدنی بین طرفداران رشد اقتصادی و عدالت توزیعی، و آشکار شدن اثرات سیاست های مبتنی بر رشد بی عدالتی (فقر شدید و بیکاری) سبب شد

تعدادی از اقتصاددانان توسعه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در راهبردهای رشد محور با دیده تردید نگریده و به فکر جایگزینی روش‌های جدید باشند. راهبرد نیازهای اساسی، و در ادامه آن تأکید بر شاخص‌های توسعه انسانی از اثرات این تحول‌ها بود. این راهبردها، در کنار رشد، توجه به شاخص‌های آموزش و سلامت عمومی را نیز مورد توجه قرار داده و به نوعی به دنبال تحقق نمودهای عدالت در جامعه بودند. به دنبال آن شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل شده، بُعدهای دیگری از عدالت از جمله عدالت توزیعی، عدالت جنسیتی و ... را دنبال کردند. اما همچنان این بحث‌ها در درون یک نسل مطرح بود. گام بعدی این تحول، که از جهت‌هایی به مسائل زیست‌محیطی نیز مرتبط بود، قرار گرفتن عدالت بین نسلی در کانون بحث‌های مربوط به توسعه شد که به اعتقاد «موهبت‌های طبیعی به همه نسل‌ها تعلق دارد» انجامید، و نسل حاضر را در تصمیم‌گیری درباره چگونگی بهره‌برداری از منابع محتاط ساخت. وارد شدن این عوامل در توسعه، مطرح شدن توسعه پایدار را به همراه خود داشت. در تعریف‌های گوناگونی که برای توسعه پایدار شده به مسأله عدالت بین‌نسلی توجه فراوان شده است در برخی از تعریف‌ها، بر حقوق نسل‌های بعد به قدری توجه شده که گفته‌اند:

هر نسل باید منابع آب و هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند حفظ کرده و برای نسل بعد باقی گذارد (منبع اسناد یونسکو، به نقل از پرمن، ۱۳۸۲: ص ۱۰۸).

همچنین بیشتر محقق‌های که در این باره قلم زده‌اند مسأله عدالت بین‌نسلی را مهمترین عامل در تحقق توسعه پایدار دانسته‌اند. توراس و بویس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که در سطح جهان، کشورهای با یک توزیع درآمد برابرتر، آزادی‌های مدنی و حقوق اجتماعی بیشتر و سطح سواد بیشتر، تمایل به کیفیت بالاتری از محیط زیست دارند. به‌طور مشابه بویس و دیگران (۱۹۹۹) در یک بررسی از ۵۰ ایالت آمریکا یافتند که دولت‌های با نابرابری در توزیع قدرت بیشتر، سیاست‌های زیست‌محیطی با دقت کمتر، فشار زیست‌محیطی بیشتر و نرخ بالاتری از مرگ و میر کودکان و فوت ناگهانی دارند. همچنین به‌وسیله مورلو - فراج (Frosch - Morello, 1997) در یک مطالعه بیش از سطح محلی از مناطقی در کالیفرنیا، نشان داده شد که کشورهایایی که در سطح بالاتری از تبعیض در وضعیت درآمد، طبقه و نژاد هستند، دارای سطح بالاتری از خطر آلودگی هوا هستند. از سطح منطقه تا جهان،

نابرابری انسانی برای محیط زیست بد است.

افزون بر این، میدلتون و کیف (۲۰۰۱) اشاره کرده‌اند تحلیل توسعه نه با ناپایداری اقتصادی زیست‌محیطی، بلکه با بی‌عدالتی اجتماعی شروع می‌شود، این تأکید بر انصاف بیشتر به صورت هدف اجتماعی عادلانه و مطلوب با این تصدیق در ارتباط است که اگر جامعه برای سطح بیشتری از برابری اجتماعی و اقتصادی، تلاش کند، هدف‌های بلندمدت جهان پایدارتر، به طور احتمال محقق خواهد شد. اساس عقیده پیش‌گفته این است که پایداری دلالت بر استفاده دقیق‌تر از منابع کمیاب و به طور احتمال یک تغییر در سبک زندگی تجربه‌شده با مصرف بالا، به وسیله دولتمندان و مورد آرزو برای دیگران می‌کند. رسیدن به چنین تغییرهای رفتاری آسان نیست، زیرا این در کوتاه‌مدت، فعالیت در برابر نفع شخصی را به طرفداری از نسل‌های آینده مطالبه می‌کند (Agyeman, 2003).

ما در مقاله توجه خود را بر اصل عدالت بین‌نسلی در استفاده از منابع طبیعی معطوف می‌کنیم. اعتقاد ما بر این است که مالکیت منابع طبیعی و نهادهای بهره‌برداری بخش خصوصی از آن‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که افزون بر تأمین رفاه نسل حاضر، آسایش و رفاه نسل‌های بعدی را نیز مورد توجه قرار داده است.

عدالت بین‌نسلی و دیدگاه‌های کلی درباره آن

شاید نخستین کسی که به نوعی دغدغه نسل‌های آینده را بتوان از کلمات وی استفاده کرد با طرح این که رشد روزافزون جمعیت، نسل‌های آینده را با خطر کمبود منابع و گرسنگی روبه‌رو می‌سازد مالتوس است. نظریه وی در عکس‌العمل به کتابی است که شخصی به نام گادوین (Godwin: 1973) نوشت. وی در این کتاب گفته بود:

زمین به اندازه کافی بخشنده است و می‌تواند همه فرزندان بشر را در ناز و نعمت سیر کند (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ص ۱۶۵).

ریکاردو (۱۸۱۷) نیز، نوع دیگری محدودیت منابع را طرح کرده و ادعا کرده افزایش جمعیت سبب به‌کارگیری زمین‌های دارای حاصلخیزی کمتر شده و پدید آمدن رانت را در زمین‌های حاصلخیز به دنبال دارد.

وی برخلاف اسمیت و مالتوس، معتقد است رانت بدون این که نشانه سخاوت طبیعت باشد نتیجه افزایش جمعیت و نادر بودن زمین‌های نامرغوب است (قدیری، ۱۳۷۶: ص ۱۷۳ - ۱۷۴).

پیگو (۱۹۲۹) نیز به منظور حمایت از نسل‌های آینده مسأله پس‌انداز را طرح کرده و با این استدلال که چون افق دید انسان کوتاه و عمر او نیز محدود بوده و نتیجه پس‌انداز خود را نمی‌بیند، منافع فعلی را بر آینده ترجیح می‌دهد. پیامد این گونه خودخواهی به کاهش پس‌انداز، عدم سرمایه‌گذاری جدید و مصرف موهبت‌های طبیعی می‌انجامد. وی مثال‌هایی از قبیل پرورش ماهی بدون توجه به فصل پرورش، عملیات فشرده کشاورزی که سبب از بین رفتن حاصلخیزی خاک می‌شود و اتمام منابع پایان‌پذیر شده و به‌منظور حمایت از نسل‌های آینده راهکارهای ذیل را پیشنهاد کرده است:

ا. جلوگیری از وضع مالیات‌هایی که با پس‌انداز مخالف است؛

ب. وضع قانون برای جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع پایان‌پذیر؛

ج. فراهم کردن انگیزه سرمایه‌گذاری در منابع، به‌ویژه در جنگلداری که بازده آن طولانی است.

داب (۱۹۶۰) نیز اندیشه نیازهای آینده را با خردگرایی افراد را درباره منابع طبیعی ارتباط داده و معتقد است چون آنان در تصمیم‌گیری مربوط به نیازهای آینده خود تفکر عقلایی ندارند، به‌صورت انفرادی نمی‌توانند وضع بازار را برای خود و دیگران پیش‌بینی کنند (کولا، ۱۳۸۰: ص ۳۱ - ۲۸).

در دهه‌های اخیر با طرح مسأله توسعه پایدار و تأکید فراوان اندیشه‌وران بر محیط زیست این مسأله با وسعت و دقت بیشتری در ادبیات اقتصاد توسعه، محیط زیست و منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفت و راهکارهای عملی نیز برای تحقق این منظور ارائه شد.

بلتراتی، چچلنیسکی و هیل (۱۹۹۳) در مفهوم پایداری بر وجود دو عامل مشترک

تأکید می‌کنند:

ا. نیاز به ادامه راهبردهای توسعه سازگار با محیط زیست؛

ب. تأکید بر تأمین عدالت بین افراد نسل کنونی و در بین نسل‌ها.

اینان درباره مطالعه‌های عدالت بین نسلی می‌گویند:

شاید گفتن این نکته منصفانه باشد که از دو عامل منابع و محدودیت‌های محیط زیست و عدالت، موضوع عدالت بین نسلی در نوشته‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رمزی (۱۹۲۸)، سولو (۱۹۷۴) و دیگران، موضوع عدالت بین نسلی را عدالت بین اشخاص دیگر نامیده‌اند. همچنین این مطالعه‌ها در بررسی داسگوپتا و هیل به‌طور خلاصه آورده شده

است. همچنین برخی از نویسندگان در چارچوب روش تنزیلی مطلوبیت‌گرایی به‌منظور تعریف مسیر انتخابی در به‌کارگیری منابع شکل گرفته‌اند. تعدادی از نویسندگان درباره میزان خسارتی که این روش به تعادل متناسب بین حال و آینده وارد می‌کند اظهار تردید کرده‌اند. کلام و بروم (۱۹۹۲) در دفاع از به‌کارگیری نرخ تنزیل صفر در وضعیت افزایش گرمای کره زمین بحث کرده‌اند و رمزی و هارود درباره ابعاد اخلاقی این روش در وضعیت کلی‌تر انتقاد شدید کرده‌اند.

نویسندگان خود معتقدند نرخ تنزیل مثبت نوعی عدم تناسب اساسی بین نسل‌های حال و آینده به‌ویژه نسل‌های بسیار دور آینده پدید می‌آورد... تأکید بر پایداری یک رویکرد متقارن زمانی اقتصاد رفاه را می‌طلبد تا یک رویکرد بین‌زمانی که در آن سهم نسل‌های آینده از راه تنزیل به فراموشی سپرده شود (Beltratti, Chichilnisky and Heal, 1993).

پادیلا (۲۰۰۲) نیز بعد از بیان این‌که توسعه پایدار بر توزیع بهتری از حقوق برای نسل‌های آتی دلالت دارد، می‌گوید:

به رغم ماهیت روشن این عبارت تعداد کمی از نویسندگان همانند پیچ (۱۹۸۳)، براملی (۱۹۸۹) و هاوارث (۱۹۹۷) بر آن صحه گذاشته‌اند.

همچنین هوفه (۱۳۸۳) نیز درباره عدالت بین‌نسلی و وضعیت فعلی جهان در موقعیت فعلی می‌گوید:

طبیعت از دیدگاه اصولی و به خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌درآزی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هر کسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد وظیفه دارد، دست‌کم همان مقدار سرمایه را برگرداند. همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث باقی می‌گذارند، هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث‌های ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربرابر برای نسل بعدی خویش است... اما حقیقت این است که ما اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌بریم: مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه بازنشستگی، وام‌ها و بلدهی‌های ملکی مرتب سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهند. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده‌ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده به‌طور کامل غیرمسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند (هوفه، به نقل از طبری، ۱۳۸۳: ص ۸۹ - ۹۰).

جایگاه عدالت بین نسلی در اسلام

در نگاه اسلام، همان‌طور که افراد گوناگون در درون یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت براساس عدالت مورد امضای شارع قرار گرفته است. همچنین افراد نسل‌های گوناگون نیز در این مسأله از فرصت‌های یکسان برخوردارند و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد. این مطلب از نگاه قرآن، روایت‌ها و نیز دلیل عقلی قابل اثبات است.

أ. قرآن

خطاب‌های عام قرآن مبنی بر این‌که آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر و فرمانبردار شما قرار داده شده یا خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آن‌ها است برای شما آفریده است یا زمین را خداوند برای مردم قرار داد. این آیات به‌طور صریح دلالت دارند بر این‌که نعمت‌های خداوند به افراد خاص، گروه‌های خاص و حتی مردم زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد بلکه همه مردم در بهره‌برداری از آن‌ها شریکند. به‌طور نمونه به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم.

أ. وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَلْعَلُمُ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید (۷۵)، (۷۵)).

و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.

در این آیه، خلقت آهن به‌صورت یکی از منابع طبیعی در جهت منافع همه مردم طرح شده است.

ب. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْآبَانَ هَا (ابراهيم (۱۴)، (۳۲)).

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی فرستاد و به‌وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود، و رودها را برای شما مسخر کرد.

ج. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (لقمان (۳۱)، ۲۰).

آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم درباره خدا بی (آن‌که) دانش و رهنمود و کتابی روشن (داشته باشند) به مجادله برمی‌خیزند.

در این آیه‌ها نیز خداوند همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است را در تصرف همه مردم قرار داده است. و روشن است که خطاب‌های قرآن به افراد زمان رسالت اختصاص ندارد بلکه همه نسل‌ها را در برمی‌گیرد.

د. وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (رحمن (۵۵)، ۱۰).

خداوند زمین را برای مردم آفرید.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در این باره می‌نویسد:

این یک حقیقت قرآنی است که پایه و اساس بسیاری از مقررات در اسلام است. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد این است که جمیع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد.

هـ مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ. (حشر (۵۹)، ۷).

در این آیه، فلسفه تشریح مالکیت دولتی برای منابع طبیعی پدیدآوردن عدالت و عدم تمرکز دولت در نزد گروه خاص مطرح شده است. این تمرکز همان‌گونه که در بین افراد یک نسل ناپسند است در نسل‌های گوناگون نیز چنین است.

و. وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره (۲)، ۲۰۵).

این آیه در صدد نهی مردم از فساد در روی زمین بوده و نتیجه آن را هلاکت کشاورزی و زراعت و نیز از بین بردن نسل‌های بعد دانسته است.

ب. روایت‌های خاص

از روایت‌های که درباره اراضی مفتوحه عنوة یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد وارد شده نیز می‌توان اهمیت اسلام به نسل‌های آینده را پی برد. در برخی از این روایت‌ها به حق نسل‌های آینده از این اراضی تصریح شده و در برخی نیز از

عمومی که درباره جمیع مسلمانان آمده است؛ می‌توان حق نسل‌های بعد را نیز استفاده کرد. از جمله روایت‌های فراوانی که در این باره وجود دارد، به برخی اشاره می‌کنیم:

أ. الحسين بن سعيد عن صفوان بن يحيى عن ابن مسكان عن محمد الحلبي قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن السواد ما منزلته؟ فقال: هو لجميع المسلمين لمن هو اليوم ولمن يدخل في الاسلام بعد اليوم ولمن لم يخلق بعد، فقلنا الشراء من الدهاقين؟ فقال: لا يصلح إلا أن يشتري منهم على أن يصيرها للمسلمين فإذا شاء ولي الأمر أن يأخذها أخذها، قلنا فإن أخذها منه قال: يرد إليه ماله وله ما أكل من غلتها بما عمل.

در این روایت از امام صادق عليه السلام درباره زمین‌های عراق پرسش می‌شود، امام عليه السلام در پاسخ می‌فرماید:

این زمین‌ها برای تمام مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمانند و یا روزهای بعد مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعد متولد می‌شوند. پرسش شد می‌توان این زمین‌ها را از کشاورزان خرید؟ فرمودند: جایز نیست مگر به ضرورت این‌که ملک مسلمین باشد، خریداری شود؛ در این صورت اگر ولی‌امر بخواهد می‌تواند آن‌ها را بگیرد؛ پرسیده شد اگر چنین کند؟ فرمودند: در این صورت مال او را به وی برگردانده و منافع زمین نیز در مقابل کاری که انجام داده قرار می‌گیرد.

ب. عنه عن الحسن بن محبوب بن خالد عن جرير عن أبي الربيع الشامي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا تشتري من أرض السواد شيئاً إلا من كانت له ذمة فإنما هو فئ للمسلمين. یعنی زمین‌های عراق (که مفتوح عنوة هستند) را نخر زیرا این زمین‌ها فئ مسلمانان و مال آن‌ها است.

هم‌چنین در روایتی از امام کاظم عليه السلام نقل شده است که فرمودند:

زمین‌هایی که با جنگ فتح شده‌اند، موقوفه بوده و در دست کسانی که آن‌ها را آباد می‌کنند باقی می‌ماند و اختیار این زمین‌ها در دست والی وقت است که از کسانی که بر روی آن‌ها کار می‌کنند به اندازه توان آن‌ها خراج بگیرد. (حرر عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، باب ۴۱ از جهاد عدو، ح ۲).

امام خمینی عليه السلام در ذیل این روایت گفته‌اند:

منظور از وقف، معنای لغوی آن است یعنی این زمین‌ها ملک کسی نیست بلکه آزاد بوده و در مصالح مسلمانان مصرف می‌شوند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۶۸).

شهید صدر^ع نیز درباره حدیث می‌نویسد:

منظور این است که این اراضی به افراد جامعه اسلامی که توانایی بهره‌برداری از آن‌ها را دارند واگذار شده و از آن‌ها اجاره گرفته می‌شود زیرا آن‌ها ملک همه مردم است و چون کشاورزان از این زمین‌ها استفاده می‌کنند باید ثمن انتفاع خود را به مردم بپردازند و این ثمن یا اجرت همان خراج است (صدر، ۱۳۷۵: ص ۴۲۲).

راهکارها و موانع تحقق عدالت بین‌نسلی

به‌طور کلی، شکل معمول نظریه عدالت بین‌نسلی که در اغلب تعریف‌های توسعه پایدار نیز گذشت این است که چه میزان از منابع طبیعی جهانی (تجدیدنشده) را نسل فعلی باید مصرف کند و چه مقدار از این منابع را باید برای نسل‌های بعد یا کسانی باقی گذارد که به هیچ‌وجه در تصمیم‌گیری‌های فعلی نقشی ندارند.

یک روش نامناسب برای پاسخ این است که ما هیچ تعهدی درباره نسل آینده برای تخصیص این منابع نداریم تعهد ما فقط به ظرفیت منابع تولید مولد یا در سطح وسیعتر به تعیین استاندارد مصرف و امکانات زندگی در طول زمان مربوط می‌شود.

برخی مسأله پیشرفت تکنولوژی را طرح کرده و معتقدند آیندگان با برخورداری از تکنولوژی بالا، همانند نسل‌های فعلی نیازی به منابع طبیعی ندارند (هانلی و اسپاش، ۱۹۹۳). پاسخ دیگر که به پایداری ضعیف مرسوم شده است، براساس مطالعه سولو (۱۹۷۴) و هارتویک (۱۹۷۷)، مبنی بر امکان جایگزینی بین اشکال گوناگون سرمایه است.

براساس این نوع برداشت از توسعه پایدار، می‌توان خسارت تھی شدن منابع به‌وسیله نسل فعلی را با افزایش جاده‌ها، موجودی ماشین‌آلات یا دیگر سرمایه‌های مصنوعی جبران کرد. نومایر (۱۹۹۹) و کبزا (۱۹۹۶) چنین پایداری را به‌صورت فقدان هر کاهشی در مصرف یا ثروت سرانه تعریف می‌کند.

در مقابل گروهی بر این باورند که برخی از سرمایه‌های طبیعی را نمی‌توان با سرمایه‌های مصنوعی جایگزین کرد. زیرا برخی از کارکردها و خدمات اکوسیستم‌ها برای بقای بشر ضرور است و امکان جانشین‌سازی برای آن‌ها وجود ندارد. دیگر موهبت‌های اکولوژیکی مانند چشم‌اندازهای طبیعی نیز حتی اگر برای بقای بشر ضرور نیست، دست‌کم

برای رفاه او مورد نیاز هستند؛ بنابراین قانون توسعه پایدار حکم می‌کند که از آن‌ها حفاظت کنیم. این دیدگاه پایداری قوی نامیده شده است؛ بنابر ادعای نمایر (۱۹۹۹) از پیرس (۱۹۸۹) ناشی شده است (ترنر و پیرس و باتمن، ۱۳۷۴: ص ۷۱ - ۷۴).

یکی از مشکل‌های تحقق و اجرای عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، مشکل آثار خارجی آن‌ها است. این مشکل، اجرای عدالت را بین افراد یک نسل نیز دشوار می‌سازد زیرا بر طبق قاعده سواری مجانی مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها تمایل دارند که چنین هزینه‌هایی را در هزینه خانوار و بنگاه وارد نکرده و بدین وسیله سود و مطلوبیت خود را بیشتر کند و طبیعی است که کسانی که از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردارند، هزینه‌های بیشتری را بر اجتماع تحمیل می‌کنند که بار آن را به‌طور عمده افراد ضعیف تحمل می‌کنند. به‌طور طبیعی این مسأله در مورد آیندگان که در تصمیم‌گیری و هنگام تعدی به حقوق آنان وجود ندارند با دشواری بیشتری روبه‌رو است. برخی گفته‌اند که به‌منظور درونی کردن اثرات خارجی بین‌نسلی می‌توان منابع طبیعی را تحت پرده جهالت رالسز در نظر گرفت. یعنی افراد بدون هیچ اطلاعی از نسلی که به آن تعلق دارند تصمیم‌گیری می‌کنند و در این صورت عدالت و بی‌طرفی تضمین می‌شود.

روشن است که این راه‌حل زمانی که با نسل‌های گوناگون در ارتباط است در عمل بسیار مشکل است زیرا افراد تصمیم‌گیر به خوبی می‌دانند به کدام نسل تعلق دارند. روش‌های دیگری همانند مالیات پیگویی (۱۹۳۲) و راه‌حل کوز (۱۹۶۰) مطرح شده است. براساس راه‌حل پیگو هر نسلی و هر فرد در درون آن نسل موظف است در مقابل استفاده از منابع طبیعی و نیز آلوده کردن محیط زیست مالیات بپردازد. این مالیات‌ها برای بهبود نسل‌های آینده و کسانی که از تخریب محیط زیست رنج می‌برند هزینه خواهد شد. همچنین کوز توزیع منابع و میزان بهینه آلودگی محیط زیست را به بازار واگذار کرده است (پاسکال، ۲۰۰۳).

راه‌حل پیگو افزون بر مشکل محاسبه و میزان اثرگذاری آن بر نسل‌های آینده و نیز اثری که در افزایش قیمت‌های مصرفی و در نتیجه کاهش تقاضا دارد به تمایل دولت‌ها مبنی بر این‌که بهبود افرادی را که حضور ندارند را در تصمیم‌گیری دخالت دهند بستگی دارد. این تمایل هم به شدت به این حقیقت وابسته است که رای افراد حاضر ارزشمندتر از رای

نسل‌های بعدی است.

همچنین اشکال راه‌حل کوز مبنی بر توزیع حقوق دارایی از راه سازوکار بازار این است که نسل‌های آینده قدرت چانه‌زنی با نسل فعلی را نداشته و مشکل این است که چه نهادی می‌تواند در جایگاه نماینده نسل آینده در نظر گرفته شود.

پادیلا (۲۰۰۲) راه‌هایی را به‌منظور به رسمیت شناختن حقوق آیندگان بیان می‌کند.

این راه‌ها عبارتند از:

۱. قوانین منع فروش و جبران خسارت

قانون منع فروش به معنای این است که نسل حاضر نمی‌تواند حقوق معینی از آیندگان را تغییر دهند. قانون جبران خسارت بر این دلالت دارد که اگر ترجیح‌های نسل فعلی، حقوق آیندگان را تضییع کند آن‌ها مجبور به غرامت هستند.

۲. تفکیک در ارزیابی پروژه‌ها بین پروژه‌های معمولی و پروژه‌های بین‌نسلی

پروژه‌هایی هستند که اثر منفی بر نسل‌های آینده ندارند اما برخی از آن‌ها ممکن است به آن‌ها صدمه وارد کنند. در این صورت نوع ارزیابی آن‌ها باید متفاوت باشد. این جداسازی نمی‌تواند فقط با اطلاعات اقتصادی انجام شود؛ ضرورت توجه به واقعیت‌های ژئوفیزیکی و زیست‌محیطی ارزیابی و مدیریت پایداری را به وظیفه بین‌رشته‌ای تغییر می‌دهد.

۳. اصلاح نهادهای موجود و پدیدآوردن نهادهای جدید توسعه پایدار

تحلیل اقتصادی مرسوم، منافع نسل‌های آینده را در نظر نگرفته و به اجرای ناپایدار از توسعه می‌انجامد. تصمیم‌های سیاسی اغلب جهت هموار و نزدیک را دنبال می‌کنند. افزون بر این، نهادها و قانون‌های موجود، نسل‌های آینده را به حساب نمی‌آورند. بازشناسی حقوق آینده مورد لزوم برای پایداری و کاربرد فایده‌بخش روش‌های جدید مدیریت و ارزیابی امکان‌پذیر نیست مگر این‌که یک حمایت نهادی قوی وجود داشته باشد که آن‌ها را تقویت کند.

همچنین مسأله نااطمینانی درباره آنچه رفاه نسل‌های بعد را تأمین می‌کند نیز از مشکل‌های عدالت بین‌نسلی است، این‌که تعداد آنان چقدر است چه نیازهایی دارند و از

چه منابعی برخوردارند.

ریر و دیگران (۲۰۰۱) نیز سه سناریو را معرفی می‌کنند: ۱. سیاست استخراج صفر تأکیدکننده بر حفاظت محیط زیست که از تخریب آن جلوگیری می‌کند و امکان کارایی بین زمانی را فراهم می‌کند؛ ۲. سیاستی که تمام منابع را به نسل حاضر اعطا کرده و کارایی را نیز تأمین کرده اما نمی‌تواند از کاهش مداوم مطلوبیت دائمی یک نسل به نسل بعد جلوگیری کند؛ ۳. سیاست تأسیس صندوق امانی به منظور تأمین حقوق نسل‌های آینده درباره منابع طبیعی.

آنان ضمن تشریح این سه سناریو معتقدند فقط راه سوم کارایی را به همراه رفاه برای تمام نسل‌ها تأمین می‌کند و در توضیح سناریوی سوم می‌گویند:

۱. در یک زمان داده شده (سال اول تحلیل)، یک قدرت عموسی مالکیت تمام منابع طبیعی که در سابق به صورت مجانی بود به (صندوق امانی) واگذار می‌کند؛

۲. بر طبق قانون تمام مشتریان و بنگاه‌ها از این به بعد باید برای استفاده از منابع هزینه بپردازند؛

۳. به بخش خصوصی اجازه داده می‌شود که با این صندوق تجارت کنند، سهام در محیط زیست را با سهام مؤسسه‌های بخش خصوصی مبادله کنند؛

۴. سرانجام صندوق برای تمام مشتریان در قید حیات و آینده حق مطالبه درآمدی که به صورت سهمی در پرتفلیو دارایی صندوق است در نظر می‌گیرد؛ به منظور تعیین این حق، صندوق سطح ماکزیمم تولید خدمات زیست‌محیطی را که می‌تواند تا ابد باقی بماند، به طور مثال ماهی، جنگل و آب و هوای پاک را محاسبه می‌کند. این حداکثر محصول پایدار کل مطالبه‌های را که مشتریان سهم هستند نشان داده و مدیریت صندوق دارایی مالی کافی به منظور پاسخگویی این حق ارزش معادل ارزش جاری ذخیره زیست‌محیطی که برای محصول پایدار مورد نیاز است نگهداری می‌کند ... اگر تخریب محیط زیست ادامه پیدا کند، نسل آینده نمی‌تواند به مدت طولانی مقداری از خدمات زیست‌محیطی مورد ادعای خود را استفاده کند. در این مورد درآمد آنان از صندوق بیش از مخارج واقعی آن‌ها روی محیط زیست شده و در کالاهای دیگر خرج می‌شود. بنابراین صندوق به صورت سازوکار

جبران‌کننده عمل می‌کند که نسلی که بیش از حد از منابع استفاده می‌کند نسل آینده را برای خسارتی که به او وارد کرده جبران می‌کند.

این دیدگاه نیز از جهت ابهام در اندازه‌گیری رفاه نسل آینده، تعداد افراد آنان و نیز امکانات جدیدی که ممکن است آنان در اختیار داشته باشند رنج می‌برد.

پاسکال (۲۰۰۳) نیز بحث خود را درباره عدالت بین‌نسلی در قالب حقوق مالکیت منابع طبیعی طرح کرده و سه صورت گوناگون توزیع مالکیت منابع بین نسل‌ها را بررسی کرده است.

۱. تعلق انحصاری حقوق دارایی به نسل حاضر

بر طبق این فرض جهان به کسانی که اکنون در آن زندگی می‌کنند تعلق دارد. نسل حاضر، همان‌طور که مالک انحصاری است این حق را دارد که منابع را مصرف و بهره‌برداری کند تا منفعت مالکیت خود را حداکثر کند.

۲. تعلق انحصاری حقوق دارایی به نسل آینده

اگر نسل آینده مالکان زمین باشند، نسل حاضر فقط می‌تواند از منبع بدون از بین بردن آن بهره‌برداری کنند. حق انتفاع زمین تعلق به زندگان دارد (ت. جفرسون).

۳. توزیع حقوق دارایی بین نسل‌های گوناگون

امکان سوم استفاده از برخی از شیوه‌های توزیع حقوق مالکیت بین نسل‌های گوناگون است. تحلیل صورت‌گرفته حاکی از این است که توزیع بین‌نسلی حقوق مالکیت نقش اصلی را در رسیدن به فرصت‌های برابر برای تمام نسل‌ها ایفا می‌کند.

توزیع بین‌نسلی نیازمند سازوکارهای مناسبی برای نسل‌های آینده است که بتواند بر حقوق مالکیتشان نظارت کند. به عقیده ما بهترین راه‌حل، پدیدآوردن مجموعه‌ای از نهادها در سطح‌های گوناگون است که در چارچوب قانونی مناسب، نسل‌های آینده را در تصمیم‌گیری شریک سازد. هاو (۱۹۹۷) و پادایلا (۲۰۰۲)، اهمیت نقش نهادها را در مدیریت زیست‌محیطی در سطح درون‌نسلی و بین‌نسلی بیان کرده‌اند. معرفی نسل آینده

فقط از راه کسانی که در جایگاه نماینده آنان عمل می‌کنند می‌تواند اتفاق بیافتد. بنابراین حضور آن‌ها در بازار، در مدیریت عمومی و در نظام سیاسی مجاز می‌شود. عملکرد آنان منافع نسل آینده را نظارت کرده و سرمایه متناسب آنان را در حد امکان مدیریت می‌کند. مشکل‌های زیست‌محیطی بعد از دهه ۷۰ به یک مسأله بین‌المللی تبدیل شد و این به‌طور خاص در طول دهه‌های اخیر، زمانی اتفاق افتاد که نهادهای گوناگونی به منظور حمایت از محیط زیست به نیابت از نسل آینده تشکیل شد. برخی از این مؤسسه‌ها، سازمان‌های بین‌حکومتی از قبیل برنامه زیست‌محیطی ملل متحد (UNEP)، بخش منابع جنگلی فائو و مرکز میراث جهانی یونسکو هستند. همچنین تعدادی از سازمان‌های غیردولتی مانند کمیسیون حفاظت از طبیعت، شبکه عملیاتی تنوع زیستی (BIONET)، جمعیت بین‌المللی صلح سبز یا دوستان زمین، نقش مهمی را در سیاست‌های زیست‌محیطی، ایفا می‌کنند. با وجود این، نتیجه‌های آن‌ها تا امروز کافی نبوده است و مدیریت همه‌جانبه محیط زیست نیازمند بهبود مستمر است.

در بخش‌های بعدی، دیدگاه نظام اقتصادی اسلام را درباره توزیع منابع طبیعی و راهکارهای حفظ عدالت بین‌نسلی بیان می‌کنیم.

قواعد عملی جهت تحقق عدالت بین‌نسلی در اسلام

جهت‌گیری اولیه مکتب‌های الهی به‌ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی وی است، انسان معتقد و تربیت‌شده در مکتب‌های الهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی را درباره تضييع حقوق ممنوعان و ظلم به آنان اعم از این‌که در یک نسل بوده و یا در آینده پا به عرصه هستی می‌گذارند به همراه نخواهد داشت. وی خود را خلیفه خداوند بر روی زمین دانسته و ثروتی را که خداوند جهت رفاه وی در دسترسش قرار داده به‌صورت امانتی در دست خود می‌داند که هرگز به خود اجازه تصرفی که با منافع دیگران منافات دارد نخواهد داد. از طرف دیگر، در عقیده‌های اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد و در صورت

استفاده درست از این منابع و پرهیز از ظلم و فساد در روی زمین نگرانی درباره تمام شدن منابع و محرومیت نسل‌های بعد نخواهد بود.

با وجود این سیر تشریح احکام و قواعد دین اسلام، بیانگر این است، که این دین فقط به مسائل ایده‌آل نپرداخته و واقعیت‌های موجود جامعه را نیز در نظر دارد و با توجه به این نکته که همواره، حتی در زمان خود پیامبر اسلام نیز کسانی بوده‌اند که اعتقاد کامل به دین نداشته و نیز عده‌ای که به صورت ظاهری مسلمان بوده و اعتقاد قلبی نداشته‌اند (منافقین) و یا عده‌ای غیرمسلمان که به صورت شهروند با مسلمانان زندگی می‌کرده‌اند؛ رهنمودهای دین به ویژه در ارتباط با مسائل اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای تشریح شده است که این افراد نتوانند حقوق دیگران را تضییع کنند. در این قسمت به برخی از این قاعده‌های عملی تضمین‌کننده عدالت بین‌نسلی و درون‌نسلی اشاره می‌شود.

برخی از این قاعده‌ها، عدالت را در سطح‌های محدودتر مانند خانواده، عشیره یا صنفی خاص محقق می‌سازند اما کاربری برخی فراگیر بوده و در تحقق عدالت چه در درون یک نسل و چه نسل‌های گوناگون کارایی دارد.

أ. دسته اول

توجه در رهنمودهای قرآن و بحث‌های فقه، نشانه توجه عمیق شارع به مسأله عدالت است. می‌توان ادعا کرد که بنیان تمام احکام فقه بر عدالت بنا شده و شارع مقدس که خود متصف به این صفت و همواره به اجرای آن سفارش کرده احکامی را نیز که برای سعادت انسان‌ها تشریح کرده، بر این اساس بوده است. در این قسمت برخی از نهادهایی را که به وسیله شارع بنا شده و در آن‌ها رفتارهای اقتصادی به گونه‌ای تنظیم شده که عدالت بین‌نسلی را هر چند به صورت محدود و در دایره خانواده، قبیله و ... محقق می‌سازد مطالعه می‌کنیم.

۱. وقف

از سازوکارهای تحقق عدالت بین‌نسلی که در شریعت اسلام پیش‌بینی شده و امامان علیهم‌السلام نیز بر آن تأکید ورزیده و سیره عملی آنان نیز مؤید آن است، سنت حسنه وقف است. در قرآن کریم آیه‌ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد، وجود ندارد.

اما عموم واژه‌های انفاق، صدقه، احسان، هبه، عمل صالح، ایشار و باقیات صالحات در آیه‌های قرآن شامل وقف نیز می‌شوند. اما روشن‌ترین آیه‌ها، آیه‌هایی است که با عنوان باقیات صالحات از این نوع احسان یاد شده است.

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمْلاً
(کهف (۱۸)، ۴۶).

مال و فرزند، زینت زندگی دنیا است؛ و باقیات صالحات [= ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.

باقیات صالحات، شامل همه رفتار نیکی است که اثرات و نتیجه‌های آن تا ابد باقی می‌ماند به همین علت می‌توان گفت، وقف نیز یکی از مصداق‌های روشن این آیه است. فقیهان در کتاب‌های فقهی، کتابی را به این مسئله مهم اختصاص داده و درباره وضعیت آن به تفصیل به بحث پرداخته‌اند. صاحب‌جوهر ضمن تعریف وقف به اختلاف فقیهان درباره تعریف آن اشاره می‌کند:

الوقف عقد ثمرته تحبیس الأصل و إطلاق المنفعة كما في القواعد و التنقيح و إيضاح النافع و الكفاية على ما حكى عن بعضها بل و في النافع و اللمة أيضاً لكن ترك ذكر العقد، كما هو المحكى عن المبسوط، و فقه القرآن للراوندى و الوسيلة و السرائر و الجامع و المهدب البارع، و مجمع البرهان إلا أنه بتدليل الإطلاق بالتسبيل كما في النبوى «١» «حبس الأصل و سبيل المنفعة» إلا ان المتأخرين أبدلوه بالإطلاق لما قيل من أنه أظهر في المراد من التسبيل الذي هو إباحتها للجهة الموقوف عليها بحيث يتصرف كيف شاء كغيره من الأملاك، لكن في الصحاح سئل فلان ضيعته أى جعلها في سبيل الله تعالى، و من هنا كان التعبير بالتسبيل أولى (نجفى، بی‌تا: ج ۲۸، ص ۳).

وقف عقدی است که نتیجه آن حبس کردن اصل مال (از خرید و فروش و ...) و آزاد گذاشتن منافع آن است چنان‌که در قواعد، تنقیح، ایضاح النافع، کفایه، نافع، لمعه، محکی مبسوط، فقه القرآن، وسیله، سرائر، جامع الشرائع، مهدب البارع و مجمع البرهان نیز چنین تعریف شده با این تفاوت که آنان مطابق متن روایت نبوی ﷺ به جای اطلاق منفعت، تسبیل منفعت گفته‌اند اما متاخران آن را به اطلاق تبدیل کرده‌اند.

آیت‌الله فاضل لنکرانی^۲ ضمن تعریف آن به برخی از روایت‌های که در فضیلت وقف

وارد شده، اشاره می‌کند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴ق: ص ۹).

و هو تحبیس العین و تسبیل المنفعة. و فيه فضل كثير و ثواب جزيل، ففي الصحيح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «ليس يتبع الرجل بعد موته من الأجر إلا ثلاث خصال: صدقة أجزاها في حياته فهي تجرى بعد موته، و سنة هدى سنّها فهي يُعمل بها بعد موته، و ولد صالح يدعو له» (حرّ عاملی، ۱۱۰۴ق: ج ۱۹، باب اول از ابواب الوقوف، ح اول).

نکته زیبایی که در این روایت و روایت‌های یا این مضمون وجود دارد تعبیر به صدقه جاریه است. این نکته اشاره به این دارد که اثر وقف در بین نسل‌های آینده جریان دارد و به نوعی منافع این نسل را به نسل بعد می‌کشد.

یکی از اثرات ارزشمندی که از حضرت علی عليه السلام باقی مانده، قنات‌هایی بوده که وی بعد از پدید آوردن وقف برای همه مسلمانان و بلکه همه مردم می‌کرده‌اند که از جمله می‌توان به وقف چشمه ینبع اشاره کرد:

و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ عَطِيَّةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْفِيءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا ع أَرْضٌ فَأَحْتَقَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مِنْهَا مَاءٌ يُنْبَعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَمَّاها عَيْنُ يَنْبَعِ فَجَاءَ الْبَشِيرُ يُبَشِّرُهُ فَقَالَ بَشِّرِ الْوَارِثَ بِبَشَرِ الْوَارِثِ هِيَ صَدَقَةٌ بَنَّا بَنَلًا فِي حَجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ غَابِرِ سَبِيلِهِ لَا تَبَاعُ وَ لَا تُوَهَّبُ وَ لَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا (حرّ عاملی، ۱۱۰۴ق: ج ۱۹، ص ۱۸۶، ح ۲۴۴۰۶).

در این روایت آمده است که حضرت در زمینی که از فیه به وی رسیده بود چشمه‌ای حفر کرد و آن را برای حجاج بیت‌الله و نیز عابران راه وقف کرد و هر گونه خرید و فروش و بخشش آن را منع کرد.

از آنچه در روایت‌ها، عبارت‌های فقیهان و حقوقدانان و نیز قانون مدنی آمده است می‌توان گفت که به‌منظور تحقق هدف اصلی وقف که جریان‌یافتن اثرات آن به نسل‌های آینده است لازم است امور ذیل رعایت شود:

۱. مال موقوف باید از نقل و انتقال و تلف مصون بماند؛
۲. مال موقوفه در مسیر حرکت خود به سوی هدف‌های وقف نهادینه شود؛ دارایی وقف اصالت یابد و تبدیل به «سازمانی حقوقی» شود. زیرا ملک نمی‌تواند بی‌مالک بماند، مگر این‌که خود، نهادی مستقل باشد؛
۳. آنچه حبس شده باید در راه خیر و خدمت به دیگران مصرف شود و وسیله ارضای

خودخواهی و سودجویی قرار نگیرد. زیرا بر مبنای اندیشه غیرخواهی تاسیس شده است؛
 ۴. وجود مدیریتی شایسته، و نیز ناظری که بر فرایند استفاده نسل‌های گوناگون از مال
 موقوفه نظارت داشته و از هر گونه تخریب و زوال آن جلوگیری کند، ضرور است.

مشاهده می‌شود وضعیت برشمرده شده برای وقف، همه در صدد حفظ منافع
 بهره‌برداران از وقف و به نوعی تأمین‌کننده عدالت بین نسلی است. متعلق وقف می‌تواند
 زمین، معدن، نهر یا دیگر منابع طبیعی که به جهتی از اسباب انتقال به بخش خصوصی
 منتقل شده قرار گیرد. زمین‌های مواتی که احیا شده و نیز قنات‌هایی که حفر شده و وقف
 برای عموم شده از این باب است. اثرات چاه‌های وقف‌شده به وسیله حضرت علی علیه السلام
 هنوز باقی است.

دولت می‌تواند به منظور تشویق و جهت‌دادن انگیزه‌های خیرخواهانه وقف‌کننده‌ها
 در جهت نیازهای ضرور و حیاتی نسل فعلی و نسل‌های آینده گام‌های مؤثری بردارد.
 در وضعیت فعلی این کار در ایران به عهده سازمان اوقاف است. اکنون در دنیا،
 نهادهای مردمی با حمایت دولت با استفاده از انگیزه‌های نیکوکارانه مردم حرکت‌های
 مفیدی را انجام می‌دهند.

۲. وصیت

وصیت از قدیمی‌ترین عهدهای خداوند به پیامبران خود و نیز عهد آنان درباره امت‌ها است
 (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۲، ص: ۱۳۱). به وصیت در آیه‌های گوناگونی از جمله:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا (شوری (۶)، (۱۳).

ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (انعام (۶)، (۱۵۱).

وصیت انسان واپسین عهدی است که در این دنیا واقع شده و نخستین التزامی است که
 درباره امور آخرتش صورت می‌گیرد و اختصاص به مسلمانان نداشته بلکه تمام کسانی که
 اعتقاد به معاد دارند این کار را انجام می‌دهند.

وصیت اقسامی دارد که آنچه مورد توجه ما در این جا به صورت یکی از سازوکارهای
 محدود عدالت بین نسلی است. وصیت، تملیکی است که در برخی موارد آن می‌تواند چنین
 اثری داشته باشد و آن زمانی است که شخصی درباره اموال خود وصیت عام کند یعنی

به طور مثال وصیت کند که خانه یا باغ وی در راه منافع عمومی مورد استفاده قرار گیرد. اگر شخصی دارای منبع طبیعی مانند چاه آب، قنات، چشمه، معدن و ... باشد به صورت خاص مرتبط با بحث خواهد شد.

قانون مدنی با تفکیک دو نوع وصیت تملیکی و عهدی، با اقتباس از تعریف علامه در تذکره، وصیت تملیکی را چنین تعریف کرده است:

وصیت تملیکی عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری به صورت مجانی تملیک کند.

در هر صورت تفاوت وصیت با وقف این است که برخی اشخاص ترجیح می دهند در زمان حیات خود اختیار اموالشان و چگونگی مصرف آن در اختیار خودشان باشد و بعد از مرگ خود درباره چگونگی مصرف آن وصیت می کنند.

۳. ارث

مسأله ارث، از قدیمی ترین سنت های مجتمع بشری است، و این معنا در توان مدارک موجود تاریخی نیست، که نقطه آغاز آن را معین کند، تاریخ هیچ امت و ملتی، به آن دست نیافته است، با وجود این بشر از قدیم ترین دوره ها برخی افراد را به خود نزدیکتر و دوست تر از دیگران می دانسته، و این احساس و اعتبار بوده که وی را وادار می کرده، اجتماع کوچک و بزرگ و بزرگتر یعنی خانه، خانواده، بطن، دودمان، عشیره، قبیله و امثال آن را تشکیل دهد، نه در دورترین دوران بشر و نه در امروز نمی توان انکار کرد که فرزند درباره پدرش نزدیک تر از دیگران است، و همچنین ارحام او به علت رحم، و دوستانش به علت صداقت، و همسرش به علت همسری، و ... هر چند که مجتمع ها در تشخیص این معنا اختلاف دارند، اختلافی که شاید نتوان آن را ضبط کرد.

این سنت مانند دیگر سنت های جاری در مجتمع های بشری همواره رو به تحول و تغییر بوده و دست تطور و تکامل آن را بازیچه خود کرده است، قدر متیقن از وضع زندگی جامعه های بشری این است که در آن مجتمع های زنان و افراد ناتوان از ارث محروم بوده اند، و ارث در بین نزدیکان مرده مخصوص قوی ترها بوده، و این علتی جز این نداشته که مردم آن دوره ها با زنان، برده ها، کودکان کوچک و دیگر طبقه های

ضعیف اجتماع، معامله حیوان می‌کردند، و آن‌ها را مانند حیوان‌ها مسخر خود و اسباب وسائل زندگی خود می‌دانستند، مانند اثاث خانه، بیل و کلنگشان، فقط به‌خاطر سودی که از آن‌ها می‌بردند به مقدار آن سود برای آن‌ها ارزش قائل بودند و همان‌طور که انسان از بیل و کلنگ خود استفاده می‌کند ولی بیل و کلنگ از انسان نمی‌کند، افراد ضعیف نیز چنین وضعی را داشتند، انسان‌ها از وجود آن‌ها استفاده می‌کنند ولی آنان از انسان استفاده نمی‌کنند.

اسلام که احکام و قانون‌های خود را براساس فطرت بشر استوار کرده است پایه مساله ارث را، رحم و خویشاوندی قرار داده، و دیگر امور مانند ارث‌بردن پسرخواندگان را لغو کرده، همچنین مساله وصیت را از تحت این عنوان خارج ساخته، عنوانی مستقل به آن بخشید عنوانی که به‌وسیله آن اموال به دیگران یعنی به‌غیر ارحام نیز برسد، و دیگران از مال خارجیان به‌رمند شوند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۳۵۳ - ۳۶۰).

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَكَدَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَدٌ وَوَرِثَةُ أَبِيهِ فَلِلْثُلُثِ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمِّهِ السُّدُسُ ... (نساء (۴)، (۱۱)).

خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است و اگر (همه ورثه)، دختر (و) از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان دو سوم ماترک است؛ و اگر (دختری که ارث می‌برد) یکی باشد، نیمی از میراث، از آن وی است، و برای هر یک از پدر و مادرش (متوفا) یک ششم از ماترک (مقرر شده) است، این در صورتی است که (متوفا) فرزندی داشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و (فقط) پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک سوم است (و بقیه را پدر می‌برد)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد ...

در هر صورت قانون ارث، انگیزه کار و تلاش را در افراد را زنده می‌دارد زیرا در صورتی که به‌طور مثال اموال شخص بعد از مرگش به اموال عمومی منتقل شود، افرادی که به اندازه گذران زندگی خود دارایی داشته باشند دست از فعالیت می‌کشند چنان‌که در فرانسه با لغو قانون ارث چنین اتفاقی افتاد که مجبور شدند قانون را به وضع اول خود برگردانند. افزون بر آن به نوعی سازوکار، ارث، عدالت بین نسل‌ها را هر چند در سطح

محدود محقق می‌سازد. زیرا در همان فرض انتقال اموال به مالکیت عمومی و مانند آن، چه بسا حرص افراد به مصرف اموال در زمان خودشان بیشتر شده و پس‌انداز افول کند و در نتیجه سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده کاهش یابد.

ب. دسته دوم

کاربری این دسته از اصول فراگیر بوده و به منظور تحقق عدالت در درون نسل‌ها و بین نسل‌های گوناگون تشریح شده است. از این دسته نیز برخی اصول، مانند اصل اول و دوم، زمینه‌ساز تحقق عدالت هستند یعنی زمینه را برای استفاده همه افراد و همه نسل‌ها از ثروت‌های طبیعی فراهم می‌کند و برخی دیگر مانند قاعده لاضرر و اتلاف و ... نیز از موانع احتمالی تحقق عدالت جلوگیری می‌کند. اصل حاکمیت دولت نیز ضمانت برای اجرای دقیق و شایسته این اصول را فراهم می‌سازد.

۱. تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی

خداوند متعال با تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی و موظف کردن دولت بر نظارت پیاپی بر استفاده بهینه و عادلانه از آن‌ها، راه‌های سوءاستفاده صاحبان قدرت و نفوذ را مسدود کرده است و از این‌که ثروت‌ها در انحصار گروه‌های خاصی درآید جلوگیری کرده است، مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از ثروت‌های طبیعی تحت عنوان انفال در مالکیت دولت قرار دارد و بخش دیگر نیز مانند مباحات عامه، گرچه در مالکیت کسی نیست و عموم مردم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. با وجود این، این بخش نیز جزء بخش عمومی شمرده شده و دولت بر چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها نظارت دارد. خداوند متعال، هدف از این‌که چنین اموالی را در اختیار دولت قرار داده است پدیدآوردن عدالت بین مردم و جلوگیری از این‌که این‌داری‌ها در انحصار گروهی از مردم درآید، بیان کرده است.

مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ. (حشر (۵۹)، ۷)

همان‌طور که پیش از این نیز گذشت این اموال متعلق به همه نسل‌ها است و مراد از مالکیت دولت هم شخصیت حقوقی آن است و به همین علت نسل‌های بعد هم همانند

تمام مردم نسل فعلی مورد توجه شریعت بوده و در این هدف شریکند.

۲. سازوکار توزیع اولیه منابع طبیعی

در نظام اسلامی، گرچه مالکیت منابع به‌طور عمده در اختیار بخش عمومی قرار داده شده، اما تجربه صدر اسلام، نشانگر این است که نظام اسلامی در صدد است که خود مردم این منابع را به‌کار گیرند و اصولاً فعالیت‌های دولت مکمل فعالیت بخش خصوصی بوده و در مواردی که بخش خصوصی تمایل به وارد شدن در فعالیتی را ندارد یا به جهت‌های سپردن آن فعالیت به بخش خصوصی به مصلحت مسلمانان نیست. به همین جهت سازوکارهای فراوانی مانند احیا، حیازت، اقطاع، اجاره و مشارکت برای بهره‌برداری از منابع طبیعی پیش‌بینی شده است. بدیهی است در همه این موارد دولت بر چگونگی استفاده بخش خصوصی از این منابع نظارت دارد، و با سیاستگذاری فعالیت‌ها را به سمت منافع ملی جهت می‌دهد و همچنین از هر گونه افراط و تفریط در استفاده از منابع، تضییع حقوق دیگر مردم و از جمله نسل‌های بعد جلوگیری به‌عمل می‌آورد.

۳. سازوکار توزیع مجدد ثروت و درآمد

مالیات و تأمین اجتماعی به‌طور معمول وظیفه توزیع مجدد ثروت و درآمد را در یک نسل انجام می‌دهد. به این معنا که دولت، بخشی از درآمد صاحبان درآمد و ثروت را تحت عنوان مالیات جمع‌آوری کرده و در اختیار کسانی که توانایی شرکت در فعالیت‌های اقتصادی ندارند قرار می‌دهد. این فرایند گاهی به تحمیل هزینه‌های به نسل‌های آینده می‌انجامد. این در صورتی است که با برنامه‌ریزی و تأسیس صندوق پس‌انداز نسل‌های آینده نه تنها می‌توان این نقیصه را جبران کرد بلکه توزیع مجدد درآمد را در جهت تأمین عدالت بین نسلی نیز جهت داد.

۴. قواعد بازدارنده

همان‌طور که اشاره شد آموزه‌های دین اسلام واقعیت‌های موجود را در نظر گرفته و درصدد است با تربیت انسان‌ها آن‌ها را به مطلوب خود برساند در ضمن قاعده‌هایی را جهت حفظ حریم افراد و جلوگیری تجاوز به حقوق دیگران تعیین کرده است.

قاعده‌هایی چون لاضرر و اتلاف که افزون بر پشتیبانی به‌وسیله کتاب و سنت از حمایت محکم عاقلان و سیره آنان برخوردار است. براساس این دو قاعده هرگاه استفاده از منابع طبیعی به‌وسیله گروه یا نسلی به تزییع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بیانجامد، دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان بپردازد. در بخش‌های پیشین مشاهده کردیم راه‌هایی نیز از طرف اقتصاددانان به‌منظور جبران خسارت‌هایی که از این ناحیه وارد می‌شود پیشنهاد شده است که از جمله می‌توان به مالیات پیگویی (۱۹۳۲) یا صندوق امانی ریر و دیگران (۲۰۰۱) اشاره کرد.

همچنین قاعده منع از اختلال نظام در کنار مصلحت نظام می‌تواند در بسیاری از موارد که فعالیت‌های اقتصادی به پدیدآمدن اختلال در چرخه زیست‌محیطی انجامیده خسارت‌هایی را به نسل‌های بعد وارد می‌سازد به‌صورت اصل بازدارنده کمک کند.

براساس این قاعده هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل‌شدن نظم جامعه بیانجامد حرام و ممنوع است، به‌طور مثال با این‌که بهره‌برداری از مشترکات و مباحات، در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده است؛ اما هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین رفته و یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام، بهره‌برداری از آن مرتع یا ... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود.

۵. اصل حاکمیت دولت

در نظام اقتصادی اسلام، دولت دارای جایگاه والایی است. مالکیت و سرپرستی اکثر منابع طبیعی این توانایی را به دولت اسلامی داده است که درباره چگونگی استفاده از منابع نظارت داشته و از تکاثر این منابع در نزد فرد، گروه یا حتی یک نسل جلوگیری کند.

دولت براساس اصل حاکمیت و نیز اصل‌های مصلحت و حفظ نظام، می‌تواند و بلکه موظف است قاعده‌ها و سازوکارهای پیش‌گفته را محقق سازد. دولت همچنین

می‌تواند در مواردی که فعالیت بخش خصوصی با منافع عمومی تزاخم داشته باشد، آزادی بخش خصوصی را محدود کرده و راهکارهایی را جهت تحقق هدف‌های عالی نظام اقتصادی اسلام و از جمله عدالت در همه بُعدهای آن اتخاذ کند. همچنین به منظور تحقق هدف‌های عدالت در بهره‌برداری از منابع، دولت اسلامی می‌تواند در محدوده شرع مقررات خاص جعل، و براساس اصل منطقه‌الفراغ یا رعایت مصلحت عمومی یا ولایت مطلقه، قانون‌های حکومتی متغیر تعیین کند (رضایی، ۱۳۸۲: ص ۷۹ و ۸۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله بیان کردیم که نگرانی حاصل از سیاست‌های توسعه و به خطر افتادن منافع، بخش قابل توجهی از بهره‌وران، به‌ویژه نسل‌های آینده، اندیشه‌وران در صدد ارائه راه‌حلی برای رفع نگرانی پیش‌گفته برآمده‌اند که به برخی از این راه‌کارها اشاره شد. مهمترین راه‌حل‌ها، شفاف‌کردن حقوق مالکیت درباره منابع طبیعی و چگونگی بهره‌برداری از این منابع، و نیز پدیدآوردن و تقویت نهادهای نظارتی که بتواند حافظ نسل‌هایی باشد که هنگام تصمیم‌گیری درباره استفاده از این منابع حضور ندارند، باشند.

همچنین از آیه‌ها و روایت‌ها استفاده کردیم، موهبت‌های الهی برای افراد یا گروه‌ها و نسل‌های خاصی خلق نشده بلکه همه انسان‌ها در نسل‌های گوناگون هدف خلقت این نعمت‌ها بوده و به همین جهت افزون بر استحکام بخشیدن بنیان‌های اعتقادی انسان‌ها و نیز تربیت آنان، با تبیین قانون‌های مالکیت و تعیین راه‌های استفاده مردم از منابع طبیعی، و همچنین ترسیم دولتی مقتدر، زمینه هر گونه استفاده ناروایی از این منابع به‌وسیله برخی از افرادی که تربیتی درست از آموزه‌های دینی نیافته‌اند، از بین برده شده است. همچنین با قراردادن احکام الزامی مانند قاعده اسراف، اتلاف، اختلال نظام و ... اهرم‌های تضمین عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی نیز در اختیار دولت قرار داده است.

پیشنهادها

با توجه به زمینه‌های موجود در رهنمودهای حیاتبخش دین مبین اسلام و نیز پتانسیل موجود در قانون اساسی و چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور، توجه به نکته‌های ذیل اهمیت دارد:

۱. تبیین حقوق مالکیت منابع طبیعی براساس فقه مبین اسلام و اجرایی کردن راهکارهای ارائه‌شده از طرف شریعت درباره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع؛
۲. در نظر گرفتن هدف‌های مقدس و متعالی اسلام که در راس آن‌ها پدیدآوردن رفاه عمومی و برقراری عدالت در سطح درون‌نسلی و بین‌نسلی است. برای رسیدن به این مقصود جهت‌گیری برنامه‌ها براساس تحقق عدالت باشد. این مهم به‌ویژه در بخش بهره‌برداری از منابع با تنظیم برنامه‌های توزیع اولیه و توزیع مجدد از اولویت خاصی برخوردار است؛

۳. همان‌گونه که در مقاله اشاره شد، انسان‌های مکتبی، با رعایت حقوق دیگران و پرهیز از سواری مجانی و تحمیل هزینه‌های جانبی تولید و مصرف خود بر دیگران، به خوبی می‌توانند زمینه برقراری عدالت همه‌جانبه را فراهم آورند. بنابراین یکی از مهمترین رسالت‌های دولت اسلامی پدیدآوردن زمینه‌های رشد و تعالی معنویت، اشاعه فرهنگ و اخلاق نوع‌دوستی در بین آحاد جامعه است و در کنار بالابردن چنین فرهنگی با پدیدآوردن روحیه اعتماد متقابل و شخصیت‌دادن به شهروندان، می‌توان آنان را در امر پایداری توسعه و رعایت حقوق یکدیگر و تأمین منافع نسل‌های آینده سهیم کرد؛

۴. تشویق نسل فعلی به پس‌انداز از مهمترین راهکارهای تأمین منافع نسل‌های آینده است. افراد دارای جهان‌بینی مادی و کسانی که اعتقاد به آخرت ندارند مطابق میل درونی ترجیح نقد بر نسیه، تمایلی به پس‌انداز ندارند و سرانجام ترجیح‌های زمانی آن‌ها به دوره زندگی‌شان منحصر است. این در صورتی است که در اعتقاد افراد دارای جهان‌بینی الهی، با توجه به قلمروی گسترده زمانی و اعتقاد به جهان دیگر، در صورتی که نتیجه‌های پس‌انداز در دوره زمانی پس از آنان ثمر دهد آن را ناقص ندانسته، بنابراین انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت دارند. دولت اسلامی وظیفه دارد از

این انگیزه به خوبی استفاده کرده و آن را در جهت تأمین منافع فرزندان پس اندازکنندگان جهت دهند. به طور مثال بر خورداری فرزندان کسانی که در طرح‌های ملی بین‌نسلی شرکت می‌کنند، می‌تواند انگیزه پس اندازکنندگان را افزایش دهد.

۵. از آن‌جا که فساد و برخورداری از رانت‌های دولتی به‌ویژه در بخش منابع، مهمترین آفت عدالت در سطح درون‌نسلی و بین‌نسلی است. بنابراین مبارزه با این آفت در صدر برنامه‌های توسعه بر مبنای عدالت درون‌نسلی ضرور است؛

۶. اصلاح نهادهای موجود و پدیدآوردن نهادهای لازم جهت کنترل و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و تضمین منافع نسل‌هایی که در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حضور ندارند. یکی از اشکال‌های راهکارهای پیشنهادی در جهت تأمین عدالت بین‌نسلی این است که نمایندگان نسل‌های آینده در تصمیم‌گیری‌ها حضور ندارند و نسل حاضر نیز ناخودآگاه منافع خود را ترجیح می‌دهد. به‌منظور کاهش و تخفیف این اشکال، بهتر است جوانان که نزدیک‌ترین افراد به نسل‌های آینده هستند نیز در چنین مجامعی حضور داشته باشند؛

۷. در اقتصاد منابع، منابع طبیعی به دو قسم پایان‌پذیر و تجدیدشونده تقسیم شده است. دیدگاه معتدل و مطابق عدالت بین‌نسلی در استفاده از منابع تجدیدشونده در این است که به‌گونه‌ای از آنان استفاده شود که نرخ تولید و افزایش آنان بیش از نرخ استفاده از آنان باشد تا ضمن برخورداری نسل فعلی از موهبت‌های این نعمت‌ها، نسل‌های آینده نیز از آنان محروم نشوند زیرا استفاده نادرست از این منابع نیز آنان را به منابع پایان‌پذیر مبدل می‌سازد. درباره چگونگی استفاده از منابع پایان‌پذیر با رعایت وضعیت بازار جهانی آن منبع لازم است نسل‌های آینده را نیز در منافع آن شریک کرد. به‌طور مثال هرگاه قیمت جهانی نفت در دوره زمانی خاص بیش از متوسط بازدهی دیگر دارایی‌ها باشد فروش آن و تبدیل به سرمایه‌گذاری در منابع تجدیدشونده مناسب به‌نظر می‌رسد. بهترین منبعی که منافع هر دو نسل را تأمین می‌کند، توسعه دانش و تکنولوژی است؛

۸. از تشویق منابع دینی به توسعه و آبادانی «... وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» استفاده می‌شود که نباید به آنچه در ادبیات عدالت بین‌نسلی گفته شده مبنی به این‌که نسل‌های بعد رفاهی چون رفاه نسل فعلی داشته باشند بسنده کرد، بلکه حرکت در جهت گسترش رفاه آنان ضرور است.

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

۱. احمدیان، مجید، *اقتصاد منابع تجدیدشونده*، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۸۱ش.
۲. بارو، کریستوفر جان، *اصول و روش های مدیریت زیست محیطی*، مهرداد اندرودی، تهران، کنگره، اول، ۱۳۸۰ش.
۳. بجنوردی، محمدحسن، *القواعد الفقهیه*، قم، نشر الهادی، اول، ۱۳۷۷ش، ج ۲.
۴. بخش آموزش علمی و فنی و حرفه ای یونسکو، *آموزش بین المللی محیط زیست (پیوست ب)*، فیروزه برومند، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰ش.
۵. بونفو، ادوار، *آشتی انسان و طبیعت*، صلاح الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، اول، ۱۳۷۵ش.
۶. پانایوتو، تئودور، *ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار*، سیدامیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی تا.
۷. پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ش.
۸. ترنر آر.ک، پیرس دی. و باتمن، ای، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، اول، ۱۳۷۴ش.

۹. تسخیری، محمدعلی، پنجاه درس در اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ق.
۱۱. خلعتبری، فیروزه، اقتصاد منابع طبیعی، بی جا، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، دوم، ۱۳۷۴ش.
۱۳. ردکلیفت، مایکل، توسعه پایدار، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳ش.
۱۴. رضایی، مجید، «مالیات‌های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت؟» قم، دانشگاه مفید، نامه مفید، ش ۳۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ش.
۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی تهذیب الاحلال و الحرام، قم، مکتب آیت‌الله سید سبزواری، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، خراسان، مکتب اعلام اسلامی، اول، ۱۳۷۵ش.
۱۷. صدر، سیدکاظم، «توسعه اقتصادی پایدار؛ توسعه سازگار با بهره‌برداری از محیط زیست و حفظ آن»، قم، نامه مفید، ش ۱۷، ۱۳۷۸ش.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۱۹. طوسی، التهذیب، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی تحریر الوسیله، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، اول، ۱۴۲۴ق.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، تهران، نشر یلدا، اول، ۱۳۷۴ش.
۲۲. کولا، ارهان، اقتصاد منابع طبیعی، محیط زیست و سیاست‌گذاری‌ها، سیاوش دهقانیان، فرخ دین قزلی، مشهد، دانشگاه فردوسی، اول، ۱۳۸۰ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بی جا، مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، چهارم، ۱۳۷۵ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، پنجم، ۱۳۷۹ش.
۲۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۷۹ش، ج ۳.
۲۷. مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان، شاخص‌های توسعه پایدار، نشاط حدادتهرانی و

- ناصر محرم‌نژاد، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱ش.
۲۸. نجفی، محمدحسین، *جواهر الکلام فی شرح الشرائع الاسلام*، بیروت داراحیاء التراث العربی، هفتم، بی تا.
۲۹. هات جان اف، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، اول، ۱۳۸۲ش.
۳۰. یاسین، نجمان، *تطور الاوضاع الاقتصادية فی عصر الرساله*، بغداد، دارالشؤون الثقافیه العامه، ۱۹۹۱م.
۳۱. یونس مصری، رفیق، *بحوث فی الاقتصاد الاسلامی*، دمشق، دارالمکتبی، اول، ۱۴۲۱ق.

ب. انگلیسی

1. Agyeman, Julian, Bullard, Robert D and Evans Bob "Just Sustainabilities Development in an Unequal World", Earthscan Publition Ltd,UK and USA, 2003.
2. Backx, Mattijs, Charny Michael and Gedajlovic Eric, "Public, Private and Mixed ownership and the performance of internation airlines" *Jornal of " Air Transport Management" V.8, 2002.*
3. Barry, John, Frankland E. Gene, "International Encyclopedia of Environental Politics", USA and Canada , Routledge, 2002.
4. Beltratti A.,Chichilnisky, G. and Heal, G. M. "Sustainable growth and the Green Golden Rule", Working Paper, Columbia Business School and Fondasion, 1993.
5. Coase, R. "The problem of social cost". *Jornal of Law and Economics*, 1960.
6. Coase, R. The, "the Market and the Law". University of Chicago Press, Chicago, 1988.
7. Davis, Derrin, Gratistide Donald F."Challenge for economic policy in sustainable management of marine natural resources" *Jornal of "Econological Economics" 36, 2001.*
8. Eatwell, John, Milgate Murray, "Newman Peter: Palgrave (A

- Dictionary Of Economics) " , The Stockton Press, 1998, Volume 3
9. Gerlagh, Reyer, . Keyzer Michiel A "Sustainability and the intergenerational distribution of natural resource entitlements" *Journal of Public Economics* 79, 2001.
 10. Gerlagh, Reyer, Keyzer Michiel A. "Sustainability and the intergenerational distribution of natural resource entitlements" *Jornal of "Public Economics* 79, 2001.
 11. Kahf, Monzer "Sustainable Development in the Muslem Countrys" September 2002.
 12. Kissiling — Naf Ingirid, Volken Thomas and Bisang Kurt "Common property and natural resources in alps, the decay of management structur?" *Jornalof "Forest policy and economics"* 4, 2002.
 13. Kowal, Tim, *Intergenerational Equity in Natural Resource Extraction: Rhetoric or Rationality?* J.D. Candidate 2007, Chapman University School of Law, Orange, California; B.A. Philosophy, University of California, Irvine, California. <http://ssrn.com/abstract=961767>
 14. Padilla, Emilio *Analysis Intergenerational equity and sustainability.* *Ecological Economics* 41 2002.
 15. Pasqual, Joan, *Souto Guadalupe Analysis Sustainability in natural resource management* *Ecological Economics* 00, 2003.
 16. Taylor A.J.W. *Justice as a basic human need New Ideas in Psychology* 21, 2003.
 17. Thompson, Janna, "Intergenerational Equity: Issues of Principle in the Allocation of Social Resources Between this Generation and the Next", Research <http://www.aph.gov.au/library/> Paper , No. 7, 2002–03.